نقش ایران و عراق در تامین امنیت خلیج فارس

نویسنده: روزبه پارساپور

ماهنامه خلیج فارس و امنیت

چکیده

دو کشور ایران و عراق با وجود وجوه مشترک تقویت کننده که ریشه در اشتراکات دینی و تاریخی دارد، از بزرگترین کشورهای حوزه خلیج فارس بشمار می آیند که بر اساس اکثریت قاطع شیعیان، بیشترین جمعیت منطقه خلیج فارس را شکل میدهند. به همین منظور بر اساس منافع مشترک و اخذ سیاست های راهبردی،امنیتی، سیاسی و اقتصادی میتوانند نقش اصلی را در حوزه خلیج فارس ایفا کنند. منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک، ژئو استراتژیک و ژئواکونومیک خاص خود در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های استعماری فرامنطقه‌ای بوده است. همواره بیگانگان تلاش کردند که حضور نامشروع خود را در این حوزه مستحکم نمایند، تا با ایجاد تفرقه و اختلاف در میان کشورهای منطقه بتوانند به اهداف سیاسی و اقتصادی خود دست یابند. در خلیج فارس، نفت، امنیت دسته‌جمعی و مسابقه تسلیحاتی در زمره موضوعات راهبردي محسوب می‌شوند. در دهه‌های اخیر و به خصوص پس از جنگ سرد و با گذشت زمان، مفاهیم امنیتی شاهد تغییرات چشم‌گیری شده‌اند. تحولات سریع سال‌های آغازین هزارة سوم که با حملات ۱۱ سپتامبر شروع و تا اشغال عراق ادامه داشته است، بدون شک ترتیبات امنیتی منطقه را دچار تغییرات فراوانی کرده است. از این روی سقوط رژیم بعثی و روی‌کارآمدن دولت جدید شیعی عراق، باعث تحول بیشتر در معادلات حوزه راهبردي خلیج فارس گردیده است. در این مقاله کوشش میشود تا نقش ایران و عراق جدید را با توجه به پیشینه کهن همکاری های طرفین و مشترکات فراوان، در شکل‌دهی معادلات امنیتی منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه: امنیت، خلیج فارس، ژئوپلتیک، جمهوری اسلامی ایران، عراق

درآمد

خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی دنیا محسوب می شود. در قرون گذشته استعمار پرتغال با اشراف بر موقعیت راهبردي خلیج فارس و تنگه هرمز، حضور خود را در این منطقه استحکام بخشید. در سال ۱۵۰۵ امپراطوری دریایی پرتغال ظاهر شد و موفق شدند که برای یکصد سال، سلطه خود را بر خلیج فارس تحمیل کند و امرای هرمز را خراجگزار خودشان قرار دهند. ولی در زمان شاه عباس (۱۶۰۳ میلادی) ایرانیان موفق می شوند، بر بحرین اعاده حاکمیت کنند و در سال ۱۶۱۲ منطقه امروزی امارات را از دست پرتغالیها

خارج کنند و به مرور موجب اخراج آنان از منطقه گردند.آلبورک دریادار پرتغالی در این باب آورده است: هر دولتی که بر ۳ تنگه باب المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود.(جعفری،۱۳۸۱،۱۳) پس از خروج پرتغالیها، خلیج فارس به دلیل ضعف حکومتهای ایران و درگیریهای داخلی، شاهد حضور و تسلط هلند و سپس استعمار پیر انگلیس در آنجا و نیز تداوم سیاست های دیرینه و استعماری روس های تزاری برای دست یابی به آب های گرم خلیج فارس بوده است که همگی حاکی از اهمیت ویژه و راهبردی آن است.(هالیس، ۱۳۷۲،۸۰)

یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه ی هرمز است. «تنگه ی هرمز» گذرگاهی است هلالی شکل که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می کند. این تنگه یکی از مهم ترین تنگه ها در بین یازده تنگه ی مهم دنیاست که برای ابرقدرت ها اهمیت اقتصادی و راهبردی زیادی دارد.(اسدیان۱۳۸۱،۲۷) اهمیت عرض کم تنگه ی هرمز از این جهت است که در طول سه کیلومتر مسافتی که عرض بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، درياي سرزميني دو كشور ايران و عمان متداخل مي شود و در فاصله ی بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. همین امر حساسیت ویژه ای را در امر کشتیرانی بین المللی در تنگه ی هرمز ایجاد کرده و مسئولیت سنگین امنیتی را بر دوش این دو کشور و به ویژه ایران نهاده است. به همین دلیل دو کشور ایران و عمان از اهمیت راهبردی و جغرافیایی سیاسی ویژه ای برخوردارند. دیوید نیوسام، معاون وزیر امور خارجه(وقت) آمریکا، در سال ۱۹۸۰ در یک سخنرانی در دانشگاه «جرج تاون» درباره اهمیت این منطقه چنین گفت: اگر جهان دایره مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است... امروزه جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایقی یک دست، همسان کند. درحال حاضر، برای ادامه ی سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد.(newsom،1980، 59)

خلیج فارس با مساحت ۲۳۷ هزار کیلومتر مربع (از دهانه تنگه هرمز تا سواحل کویت)(سازمان جغرافیا،۱۳۸۶،۵) به عنوان يك راه آبي و دريايي از همان سپيده‌دم تاريخ ارزش فراواني داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌هاي بزرگ خاورباستان پيشينه‌اي چندين هزار ساله دارد. خليج فارس،با ۵۶۵ميليارد بشكه نفت خود كه معادل ۶۳درصد كل ذخاير نفتي شناخته شده جهان است،۳۰/۷ تريليون مترمكعب گاز طبيعي كه برابر ۲۸/۵ درصد كل ذخاير شناخته شده گاز دنياست، بي‌ترديد بزرگترين و مهم ترين انبار انرژي جهان محسوب مي‌شود. اين موفقيت براي دهه‌هاي طولاني در قرن آينده دوام خواهد داشت... عامل عمده‌اي كه نفت و گاز خليج فارس را براي ايالات متحده، اروپاي غربي و ژاپن بسيار حياتي مي‌سازد،دشواري بسيار در جايگزين ساختن نفت و گاز وارداتي منطقه توسط منابع ديگر انرژي مانند زمين، خورشيد، دريا و هيدروژن است. در سال‌هاي اخير علي‌رغم داغ شدن بازار كشيدن لوله‌هاي نفت در اين منطقه به كناره‌هاي درياي سرخ،

این منطقه همچنان اهمیت سیاسي و اقتصادي و ترانزيتي خود را در سطح بالايي حفظ کرده است. همان‌گونه که خون در آب‌هاي دريا کوسه‌ها را برمي‌انگيزاند، بوي نفت هم شرکت‌هاي انحصارگر را به سوي خاورميانه‌کشاند، روشن بود که نفت، سرزمين‌هاي جنوب خليج فارس را هم بيش از پيش به گردباد بازي‌ها و هماوردي‌ها سياسي امپرياليسم گرفتار خواهد کرد. در حال حاضر، به رغم اینکه جهان فقط برای حدود ۴۱ درصد از مصارف نفتی خود، به خلیج فارس متکی است، ولی این وضعیت در حال تحول بوده و همان گونه که وزارت انرژی ایالات متحده ی آمریکا اعلام کرده است، جهان به زودی برای تأمین ۶۵ درصد نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. این منطقه غیر از نفت، قریب ۳۰ درصد از ذخایر گاز جهان را نیز در خود جای داده که پس از روسیه، دومین منطقه از لحاظ میزان ذخایر گاز در جهان است. این موقعیت استراتژیک بارها و بارها از زبان سیاستمداران دنیا به روشنی بیان شده است. هنری کیسینجر سیاستمدار آمریکایی معتقد است: کشورهای پیشرفته صنعتی به عرضه نفت خلیج فارس وابسته اند و رادیکالیزه شدن منطقه پیامدهایی را در بر خواهد داشت.(کیسینجر۱۳۸۱،۳۰۶) از سوی دیگر ویلیام راجرز وزیر امور خارجه وقت آمریکا در گزارش خود به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۱ اعلام کرد: شبه جزیره عربستان، عراق و ایران بیش از ۶۵% ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارند. استفاده از این ذخایر نفتی در اوضاع مناسب سیاسی و اقتصادی، برای کشورهای متحد ما در آتلانتیک و سایر کشورهای اروپای غربی و ژاپن دارای کمال اهمیت است.(جعفری،۱۳۸۱،۳۶)

جایگاه برتر خلیج فارس در معادلات جهانی را میتوان در سیاستگذاری های دولت آمریکا بررسی نمود. در خصوص خاورمیانه «دکترین آیزنهاور» که در سال ۱۹۵۷ میلادی در کنگره آمریکا ارائه شد تأکید داشت که آمریکا حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس را برای امنیت خود امری حیاتی می‌داند و حاضر است برای حفاظت از کشورهایی که مورد تجاوز مسلحانه کمونیسم بین المللی قرار می‌گیرند، از نیروهای مسلح خود استفاده کند.(متقی،۱۳۷۶،۵۸) بعدها جيمي کارتر نيز در سال ۱۹۸۰ خليج فارس را عملا منطقه ي زير نفوذ ايالات متحده، بويژه در برابر گسترش نفوذ شوروي به آن منطقه اعلام کرد. او اعلام داشت: "بگذاريد موضع خود را به طور مطلقا آشکار بيان کنم. هر کوششي توسط هر نيروي خارجي براي به دست گرفتن کنترل منطقه خليج فارس، حمله به منافع حياتي ايالات متحده آمريکا تلقي خواهد شد و چنين حمله اي با هر وسيله ممکن از جمله نيروي نظامي دفع خواهد شد." این سیاست بعدها به نام دکترین کارتر معروف شد.(دریفوس، ۲۰۰۳،۳)

به عبارتی اگر تمام کره زمين را براي يافتن سرزميني بگرديم که در جهت برپا ساختن يک امپراتوري آمريکايي اهميت حياتي داشته باشد، اولين جا خليج فارس بايد باشد. شنهاي بيابان اين منطقه، دو بشکه از هر سه بشکه نفت موجود در جهان را در دل خود نهفته دارد. ذخائر نفتي عراق به تنهايي بيش از مجموع ذخائر

موجود در روسیه، ایالات متحده، چین و مکزیک تخمین زده شده است. اکنون سي سال است که منطقه خليج فارس نقطه ي هدف گيري شده از سوي گروه پرنفوذي از طراحان سياست خارجي آمريکا بوده است که عقيده دارند دولت آمريکا براي دستيابي به سلطه جهاني بايد کنترل نفت اين منطقه را به دست گيرد.(دريفوس، ۲،۲۰۰۳)

از این روی تسلط بر خلیج فارس به معنای تسلط بر قلب دنیا می باشد. همین موقعیت استراتژیک موجب گردیده است چشم طمع بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا به خلیج فارس، مهد تمدن ایرانیان معطوف گردد. خلیج فارس با منابع طبیعی و معدنی فراوان خود، دیگر تنها به خاطر ایفای نقش ارتباط دهندگی یک بزرگراه تجاری میان شرق و غرب جهان اهمیت ندارد، بلکه در حال حاضر، یکی از دو سر انتهایی در معادلات اقتصادی جهان به شمار می آید. وضعیتی به این مهمی و موقعیتی راهبردی به حساسیت خلیج فارس، برای توازن اقتصادی جهان در آینده، ایجاب می کند تا امنیت این شاهراه مهم از زوایای گوناگون با تاکید بر همکاری کشورهای مشترک المنافع داخلی حوزه خلیج فارس و خروج کشورهای بیگانه مورد بررسی قرار گیرد. خلیج فارس همچنین منطقه ای است که شریان حیات غرب، یعنی نفت از آن عبور می کند. بیش از ۲۵% عرضه ی نفت جهان از این منطقه می گذرد. از این رو، این منطقه برای نظام سرمایه داری و در رأس آن آمریکا، حایز اهمیت حیاتی است.

تاریخچه روابط ایران و عراق

روابط دو کشور ایران و عراق بسیار کهن و ریشه دار است. مستندات تاریخی حکایت از آن دارند که ریشه همکاری های تجاری و سیاسی این دو منطقه به دوران باستان باز میگردد. گرچه کشوری به نام عراق امروزی در سال ۱۹۳۲ میلادی بنا به خواست استعمار بریتانیا بنا نهاده شد و پیشینه استقلال چندانی ندارد ولی منطقه میانرودان (بین النهرین) و شهرهایی همچون بابل(Babylon) یکی از پایه های تمدن بشری محسوب میشود که ریشه ای بس کهن دارد. تمدن میانرودان(بین النهرین) به دلیل قرارگرفتن در میان دو رود بزرگ دجله و فرات به این نام شهرت گرفته است و وجود دو رودخانه پر آب ، آنرا مهد مهمترین تمدنهای رودخانه ای ساخت. همچنین موقعیت ارتباطی بسیار مناسب آن، موجب تماس با سرزمین های دیگر و در نتیجه پیشرفت و انتشار تمدن آن گردید. شمال عراق در دوران باستان بخش اصلی امپراتوری آشور را تشکیل می‌داد. آشور بانی پال در سال ۶۳۳ ق.م در گذشت. شاه ایرانی ماد، در حمایت از بابل (واقع در۸۸ کیلومتری جنوب بغداد) به آشور اعلان جنگ داد. هوخشتره پادشاه ماد در سال ۶۱۴ ق.م از کوه‌های زاگرس گذشت و ضمن تسخیر آبادی‌های آشوری سر راه، شهر اشور پایتخت دولت آشوریان را در محاصره گرفت. پس از سقوط شهر آشور، نبوپلسر پادشاه بابل به دیدار هوخشتره ماد آمد و در آنجا پیمان دوستی مادها و بابل تجدید

شد. در سال ۶۱۳ ق.م شاه آشور در نینوا بود و این شهر نیز در سال ۶۱۲ ق.م تسخیر شد. نبوپلسر رهبر بابلی‌ها به همکاری با ایرانیان روی اورد.

پس از انقراض دولت ماد، کوروش هخامنشی همه اقوام ایرانی (پارت،پارس،ماد) را متحد و بابل را با صلح گشود(۵۳۹ ق.م) .مردمان این منطقه را از ظلم شاهان آن رهایی بخشید و این منطقه را بخشی از امپراتوری جهانی خود نمود. پس از هخامنشیان نیز دولت پارت (۲۵۰ ق.م - ۲۲۶ ق.م) و ساسانی نیز به دلیل موقعیت استراتژیک بین النهرین پایتخت های خود را در بغداد مستحکم نمودند. سالهای متمادي ، بابل و بین النهرین از مهم ترین مراکز تجاری و سیاسی جهان محسوب میشد و حسن همجواری و اشتراک مساعی مردمان این دو منطقه موجب گردید ریشه های ایرانی در خون مردمان عراق امروزی نهادینه گردد. با ظهور اسلام و سقوط حکومتهای ایرانی در منطقه، این روابط تاریخی نه تنها قطع نگردید بلکه با روی آوردن مردم عراق به تشیع، بخش گسترده ای از ایرانیان که دارای پیوستگی های تاریخی با مردم عراق بودند نیز به صفوف عراقیان درآمده و خود را در کنار آیین های دینی شیعیان قرار دادند. گرایش به تشیع درمیان ایرانیان یکسره در قرنهای متمادی ادامه داشت به طوری که در دوره ایلخانیان شمار زیادی از مردم ایران به خصوص بخشهای مرکزی شیعه بودند. دولت مقتدر صفوی پس از دولتهای علویان در شمال ایران، سربداران و مرعشیان، نخستین دولت مستقل و بانفوذ شیعی در ایران محسوب میشوند که مانع از تجاوزات سنی های عثمانی به مرزهای ایران شد. با گذشت زمان، روح ایرانی با مذهب شیعه تلفیق و روحیه ظلم ستیزی در نزد ایرانیان بیش از پیش قوت گرفت. ایرانیان با سیاست استقلال طلبانه، دخالت بیگانگان در کشورشان را تاب و تحمل نمی آوردند ولی متاسفانه عراق بارها مورد یورش قرار گرفت و حکومتهای غیر بومی برآن حکفرما شد. حمله ترکان مغول به بغداد و قتل عام بی سابقه مردم عراق در تاریخ ۴ صفر ۶۵۶ هجری صورت گرفت و خلیفه مستعصم بدون قید و شرط تسلیم مغولان شد. متجاوزین مغول، مردم را در بیش از یک هفته بدون استثنا از دم تیغ گذراندند. گروه زیادی از اهالی اطراف که پیش از محاصره به بغداد هجوم آورده بودند در این سرنوشت غم انگیز سهیم و کشته شدند. مورخین شمار کشته شدگان را هشتصدهزار تا دومیلیون تن تخمین زده اند، و این تخمین با گذشت روزگار افزایش می یابد.(ابن طقطقی،۱۳۰)

ولی این تنها بخشی از صدمات وارده بر عراق بود. اشغال چندین سده ای عراق توسط امپراتوری عثمانی موجب شد مردم این کشور صدمات جبران ناپذیر سیاسی، اقتصادی و هویتی را تحمل نمایند. این صدمات به حدی سنگین بود که مردم عراق دیگر نتوانستند به ریشه های اصیل خود بازگردند و درنتیجه ریشه استعمار در آن کشور تاحدودی ماندگار شد. پس از آن نیز نیروهای اسعتمار انگلیسی با هدف بیرون آوردن عراق از دست عثمانیان وارد عراق شدند و از ۳ مارس ۱۹۱۷ حمله به شهر بغداد را آغاز کردند و هشت روز بعد (۱۱ مارس) این شهر را تصرف کردند. از نظر انگلیسی ها بغداد کلید تصاحب نفت عراق و ایجادی پایگاهی

دائمی جهت سلطه بر سرزمین های نفت خیر خاورمیانه بشمار می رفت. (کیهانی زاده،۱۳۸۸) از این روی در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) عراق رسما بخشی از مستعمرات بریتانیا شد و در نهایت در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) با موافقت بریتانیا به عنوان کشور مستقل استقلال یافت و در سازمان ملل نیز ثبت شد. بی شک فقدان استقلال فکری رهبران عراق و نزدیکی آنان به کشورهای بیگانه، مهم ترین عامل ویرانی این سرزمین محسوب میشود. در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) صدام حسین تکریتی رهبر متجاوز عراق با حمله غافلگیرانه به مرزهای ایران جنگ و ویرانی بزرگی را در منطقه آغاز کرد که تا سال ۱۹۸۸ ادامه یافت. جنگ ۸ساله ایران و عراق یکی از فاجعه‌های تاریخ بشری در قرن بیستم است .جنگی که پس از جنگ ویتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومین جنگ طولانی قرن بیستم بوده‌است.(آبراهامیان،۲۰۰۸،۱۷۱) جیمز بیل، کارشناس و تحلیلگر امریکایی مسائل سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس معتقد است دلیل اصلی شروع جنگ ایران و عراق و مناقشات سیاسی قبل از آن را به طور کلی می‌توان در «تسلط یافتن بر خلیج فارس» دانست. صدام می‌خواست از طریق تسلط یافتن بر مسند قدرت منطقه، خود را به عنوان ژاندارم جدید این منطقه استراتژیک معرفی کند و از این طریق امتیازات سیاسی و اقتصادی فراوانی از کشورهای ثروتمند منطقه کسب کند. (بیل،۱۳۷۱،۴۸۵)

در همان دهه وحشیانه‌ترین اقدام رژیم بعثی در اسفند ۱۳۶۶ در حلبچه عراق نیز به وقوع پیوست که وسیع ترین مورد استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی اول تاکنون به شمار می‌رود. در این اقدام حداقل ۵۰۰۰ تن از مردم کُرد و مسلمان این شهر را کشته و ۷۰۰۰ تَن دیگر را مجروح کرد. اما این پایان سرنوشت تاریک عراق نبود، در حقیقت سیاست پان عربیستی و اشتباه رهبران این کشور در دشمنی با همسایه قدیمی و راهبردی خود یعنی ایران و همچنین بازکردن حساب روی برگ های سوخته ای همچون کشورهای سودجوی غربی و برخی متحجرین عربی منطقه، موجب ویرانی گسترده این کشور شد. کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس به دلیل وسعت کم، جمعیت اندک، عمر سیاسی کمتر از چند دهه ای، اقتصاد شکننده، وابستگی به غرب، حکومتهای غیرمردمی و همچنین دولتهای سنی متمایل به وهابیت به هیچ وجه متحد استراتژیکی برای کشوری با اکثریت شیعه عراق نه در گذشته بودند و نه در آینده خواهند بود. به هر روی سیاستهای توسعه طلبانه رهبر عراق موجب شد پس از توقف جنگ بر علیه ایران در ۸ اوت ۱۹۸۸، عراق عزم خود را جزم کند تا قدرتمندترین کشور خلیج فارس شود تا جایگاه برتری و نقش رهبری را در میان کشورهای عربی ایفا نماید.(M Le،1991، 23)

به همین جهت برای تصرف کویت، در آستانه اجلاس اوپک نیروهای عراقی، تهاجم همه جانبه ای را در ۲ اوت ۱۹۹۰ به خاک کویت آغاز کرد و در ۸ اوت همان سال کویت سقوط کرد و صدام رسما اعلام نمود که کویت یکی از استانهای عراق است، درنتیجه آمریکا که تصور نمي کردند چنین شخصی که از یک سوی از

سلامت روانی درستی برخوردار نبود و از سوی دیگر تبدیل به یک تهدید بر علیه منافع آمریکا در منطقه شده بود، روزی بتواند ژاندارم خلیج فارس شود و دست به کشورگشایی نیز بزند، برای بیرون راندن او از کویت به همراه متحدینش در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱جنگ خلیج فارس را آغاز و در عرض ۱۰۰ ساعت عراق را شکست داده و کویت را آزاد کردند. آمریکایی ها گرچه حمایت های وسیعی از استراتژی های ضد ایرانی دولت عراق در گذشته حمایت میکردند ولی دیگر میدانستند که عمر حکومت بعثی ها به پایان رسیده و آنها تبدیل به تهدیدی جدی برای خودشان شدند و به همین جهت چند سال بعد در سال ۲۰۰۳ به بهانه تسلیحات کشتارجمعی و همچنین دفاع از امنیت ملی آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر درپی تهاجم نظامی گسترده ای، حکومت صدام حسین را سرنگون کرده و تا امروز عراق را در اشغال خود قرار دادند. طی این سالها، بیش از یک میلیون تن از مردم عراق درپی خشونتهای فرقه‌ای، جنگهای داخلی، قومی و نظامی متحدین غربی کشته شده‌اند. همین امر موجب شد پایه های صنعتی و سازندگی عراق به کلی ویران و تفکرات افراطی و تروریستی جایگزین پیشرفت و آبادانی عراق گردد. با گذشت زمان زمامداران بغداد در تلاش برآمدند تا اوضاع امنیتی، اقتصادی و سیاسی کشور را بهبود بخشند، که این امر نیازمند همکاری های استراتژیک با کشور قدرتمند شرقی خود یعنی ایران می باشد.

مشترکات و زمینه های همکاری ایران و عراق در ابعاد مختلفی قابل تجزیه و تحلیل است که با نگاهی کلی به آن میتوان چشم انداز همکاری های امنیتی حوزه خلیج فارس را بررسی نمود. بررسی این مشترکات و جامه عمل پوشاندن به آنها، گام مهمی در برداشتن همکاری های امنیتی حوزه خلیج فارس می باشد. زیرا همکاری های اقتصادی و سیاسی راه را برای همکاری های استراتژیک امنیتی دوکشور تاحدود زیادی هموار می نماید.

چهره نفت و گاز خلیج‌فارس

سال ۲۰۰۳

شرح	ایران	عراق	کویت	قطر	عربستان	امارات	کل خلیج‌فارس	کل جهان	سهم خلیج‌فارس (درصد)
ذخایر اثبات شده نفت خام (میلیارد بشکه)	۱۳۰/۷	۱۱۵/۰	۹۶/۵	۱۵/۲	۲۶۲/۷	۹۷/۸	۷۱۷/۹	۱۱۴۷/۷	۶۲/۶
میزان تولید نفت خام (میلیون بشکه در روز)	۳/۸۵	۱/۳۴	۲/۲۴	۰/۹۱۷	۹/۸۲	۲/۵۲	۲۰/۶۹	۷۶/۷۸	۲۷/۰
ذخایر اثبات شده گاز طبیعی (تریلیون مترمکعب)	۲۶/۶۹	۳/۱۱	۱/۵۶	۲۵/۷۷	۶/۶۸	۶/۰۶	۶۹/۹۵	۱۷۵/۷۸	۳۹/۷۹
تولید گاز طبیعی (میلیارد مترمکعب در سال)	۷۹	-	۸/۳	۳۱	۶۱	۴۴/۴	۲۳۳/۱	۲۶۱۸/۵	۸/۹

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از گزارشات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

همکاری در حوزه انرژی

ایران و عراق هر دو از تولید کنندگان اصلی نفت جهان محسوب می شوند که دارای منابع بسیار غنی هیدروکربنی می باشند. حدود ۷۵% از کل منابع نفت موجود جهان در خاورمیانه قراردارد. عربستان، ایران و عراق اصلی ترین تولیدکنندگان نفت جهان بشمار می آیند. ایران با ۱۳۰/۷ میلیارد بشکه ذخیره نفتی (۱۱/۳%

کل نفت جهان)، عراق با ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخیره نفتی (۱۰% کل نفت جهان) و عربستان با ۲۶۲/۷ میلیارد بشکه ذخیره نفتی (۲۲/۸۸% کل نفت جهان) از تاثیرگذارترین کشورهای تامین کننده انرژی جهان می باشند. دو کشور ایران و عراق در حوزه های نفتی و گازی دارای زمینه های همکاری های استراتژیک مهمی هستند. عراق یکی از کشورهای منحصر به فرد در خاورمیانه و جهان است که دارای ۸۵ میدان جدید نفتی و گاز است، دولت این کشور برنامه توسعه این میادین را در ۱۰ سال آینده در دستور کار خود قرار داده است. عراق از زمان استقلال تا کنون به عضویت سازمانهای اقتصادی مختلفی همچون بانک اعراب، صندوق پولی عرب، صندوق توسعه اجتماعی و اقتصادی عرب، شورای اقتصادی عرب، سازمان خواروبار و کشاورزی، بانک جهانی، بانک توسعه اسلامی، صندوق بین المللی پول، اتحادیه عرب و اوپک و... درآمده است. با پیروزی حزب بعث، اصول سوسیالیستی آن اقتضا میکرد که همان سیاستهای اقتصادی رژیم را دنبال کند. دولت برای مدیریت بر منابع، نقش برنامه ریزی مرکزی را ایفا میکرد. افزایش درآمد نفتی موجب گردید که دولت عراق علاوه بر سرمایه گذاری، بودجه های اجرایی دولت و واردات به توسعه زیرساختها و مدرنیزه کردن نیروهای مسلح خود بپردازد. با اشغال عراق شالوده اقتصادی این کشور با خسارات شدیدی مواجه شد. هزینه بازسازی عراق را منابع مختلف حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده اند. همچنین صنعت نفت عراق با هرج و مرج داخلی این کشور توان رشد و پیشرفت را پیدا نکرد. عراق با همکاری همسایه شرقی خود یعنی ایران توان بازسازی بسیاری از ویرانی های پس از اشغال را دارد. بنای همکاری های دو دولت چنان است که با تحکیم روابط اقتصادی، قرابت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دینی دو کشور نیز تقویت می شود. بدون شک تبادل تجارب میان ایران و عراق و تبادل امکانات و پتانسیل ها میان دو کشور نقطه عطفی را در صنعت نفت دو کشور ایجاد می کند و از سوی دیگر روابط دو کشور را بیش از پیش تحکیم می بخشد. همچنین اجرایی شدن خطوط برق رسانی آبادان – هارثه و کرمانشاه - دیاله، احداث نیروگاه گازی شهرک صدر و نیروگاه نجف میتواند مثبت و سازنده باشد. همکاری های دوکشور ایران و عراق به عنوان دارندگان بزرگ ذخایر انرژی دنیا میتواند به گونه ای باشد که موجبات تامین منافع طرفین به طور عادلانه را برآورده نماید.

اشتراکات ایدئولوژیک

ایران و عراق هر دو از بزرگترین مراکز شیعیان جهان محسوب میشوند. برای نخستین بار در تاریخ مدرن، هر دو کشور دارای دولت هایی شیعه شده اند. از یک سوی آرامگاه شش امام شیعی در عراق می باشد که از دیرباز مورد توجه مردم و حکومتهای ایرانی بشمار میرفته و از سوی دیگر حوزه علمیه نجف که از مراکز اصلی تعالیم شیعیان جهان محسوب میشود در عراق واقع شده است. بسیاری از مراجع دینی ایران در این حوزه تحصیل کرده اند و به تعبیری کانون همبستگی دینی دو کشور می باشد. حضور شیخ طوسی در نجف اشرف موجب گردید که بنیان های اولیه این حوزه عظیم دنیای اسلام و تشیع نهاده شود. حضور مشاهیری

همچون آیت الله سیدابوالقاسم خویی، امام خمینی(ره)، شهید سید محمدباقر صدر و... در حوزه نجف نمونه های بارزی از جایگاه ویژه این حوزه دینی در نزد دوکشور می باشد. از ویژگی ها بارز حوزه علمیه نجف اشرف فارسی بودن آن می باشد. زیرا اکثر طلاب آن از ایران، پاکستان، افغانستان و هند می باشند که در نتیجه به زبان فارسی تسلط کامل دارند.

مرزهای جغرافیایی مشترک

یکی از مهم ترین شاخص های موثر در اتخاذ استراتژیهای ملی و بین المللی، نقش عوامل جغرافیایی یک کشور در مجموعه نظام جهانی است که به ژئوپلیتیک تعبیر میشود. مرزهای جغرافیایی دو کشور همسایه نیز از جایگاه راهبردی در جهت اتخاذ سیاست های کلی در روابط دو کشور همسایه برخوردار می باشد. جغرافیای ایران و عراق از منطقه دالامپرداغ (نقطه مرزی مشترک ایران، ترکیه و عراق) تا دهانه فاو، چیزی در حدود ۱۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک دارند. این مرزها از یکسوی میتواند موجب امنیت،همبستگی،گسترش روابط تجاری و اقتصادی باشد و در نقطه متقابل آن میتواند عامل بی ثباتی و درگیری های دراز مدت و تنش میان دو کشور باشد. تاریخ اثبات کرده است که جغرافیا نقش کلیدی در معادلات جهانی ایفا میکند. ناپلئون بناپارت معتقد بود: سیاست خارجی یک کشور از طریق وضع جغرافیایی آن کشور تعیین می شود. بعدها دانشمندانی همچون «اسپایکمن»، «هانس مورگنتا»، «رودلف اشتاین» و ... اعلام کردند» :موقعیت جغرافیایی از عواملی است که قدرت یک کشور بر آن مبتنی است.»(تبیان،۲۰۰۵) در دوره جنگ سرد (۱۹۴۷- ۱۹۸۹ م) تقسیم بندی دنیا به دو اردوگاه غرب و شرق و دو قطبی شدن جهان ثابت کرد جغرافیا همچنان در خدمت جنگ و قدرت است و عوامل ثابت ژئوپلتیک مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت خاک، شکل هندسی کشور، فضا و تقسیمات آن، وضع توپوگرافی، مرزها ، شبکه آبها، ناهمواریها همچنان در اولویت هستند. چالشهای ژئوپلیتیکی موجود ایران و عراق در مهم ترین ابعاد خود در منطقه اروند رود و چاههای نفتی فاو تبیین میگردد. همچنین رودخانه دجله و فرات به عنوان شاهرگ حیاتی عراق از عوامل موثر ساختار ژئوپلیتیکی این کشور به حساب می آید. عراق همواره در مورد میزان بهره برداری از این رودخانه و یا نحوه کشتی رانی و ترتیبات امنیتی با همسایگان خود یعنی ترکیه و سوریه و ایران منازعه و تنش هایی داشته است.

بازارچه های مرزی

بازارچه مرزی محوطه ای است محصور واقع در نقاط صفر مرزی و در جوار گمرکات، مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا، یا مکانهایی که طبق تفاهم نامه ای منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای

همجوار تعیین میشود. اهالی دوطرف مرز میتوانند تولیدات و محصولات داخلی خود را با رعایت مقررات صادرات و واردات جهت داد و ستد در این بازارچه ها عرضه نمایند. راه اندازی این بازارچه ها هم از دید امنیتی به جهت حفظ و تثبیت آرامش و دوستی موثر میان قومیت های همسایه موثر می باشد و هم از دیدگاه اقتصادی به نفع دو کشور هم مرز می باشد. عراق جدید با توجه به اینکه بازاری ۴۰ میلیارد دلاری در منطقه بشمار می آید، در سال ۸۸ با روند روبه رشد چشم گیری، حجم مبادلات تجاری خود را با ایران به میزان ۵ میلیارد دلار گسترش داد. در نتیجه امروزه عراق به عنوان یکی از بزرگترین شرکای تجاری ایران محسوب میشود. در سال ۸۵ این میزان صادرات، یک میلیارد و ۷۱۸ میلیون دلار کالا بود، در سال ۸۶ یک میلیارد و ۸۴۲ میلیون دلار و در سال ۸۷ دو میلیارد و ۵۶۶ میلیون دلار.همچنین حدود ۹۰۰ میلیون دلار خدمات فنی مهندسی از ایران به عراق صاد شد که ۷۴۰ میلیون دلار آن صادرات انرژی شامل برق، آب و موارد دیگر بود. در مجموع در سال ۸۷ حدود چهار میلیارد دلار کالا و خدمات فنی مهندسی و انرژی به عراق صادر شده است. البته این بازار مناسب تجاری با ورود صادرات گسترده ترکیه به عراق شکننده شده و نیازمند تلاش بیشتر تاجران ایرانی دارد.(موسوی،۱۳۸۸)

مرزهای دریایی در خلیج فارس

کشور جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن ۱۲۵۹ کیلومتر از سواحل خلیج فارس از دهانه اروند رود تا بندرعباس، بیشترین سهم را از کرانه های خلیج فارس در اختیار دارد. این نقش ژئوپلیتیکی موجب گردیده است که میزان جایگاه استراتژیکی ایران نسبت به دیگر کشورهای خلیج فارس به مراتب افزایش پیدا کند. در مقابل عراق با احتساب طول آبراهه خورعبدالله حداکثر ۸۰ کیلومتر از کرانه های خلیج فارس را در اختیار دارد که به عنوان کمترین طول ساحل در خلیج فارس بشمار می آید. همین امر موجب از دلایل ضعف ژئوپلیتیکی عراق محسوب میشود که دسترسی این کشور را به آبهای خلیج فارس محدود کرده است. این نقطه ضعف موجب گردید که بارها رهبران عراقی برای گسترش مرزهای خود، ادعای مالکیت بر کویت را مطرح کنند. این ادعا در طول ۸۰ سال گذشته بارها و بارها مطرح شده است. برای نمونه نماینده دولت پادشاه فیصل اول(۱۹۲۱-۱۹۳۳) در کنفرانسی در نوامبر سال ۱۹۲۲ به بیرسی کوکس نماینده انگلیس و پادشاه عربستان اعلام کرد که کویت و حتی تا ۱۲ مایلی ریاض متعلق به عراق می باشد. همچنین در ۲۹ اوریل ۱۹۶۱ پادشاه عراق عبدالکریم قاسم (۱۹۵۸-۱۹۶۳) در نامه ای با حمله به قرارداد مخفیانه کویت در تحت الحمایه قرار دادن خود به انگلیس، تاکید کرد که کویت زیر نظر عراق است. حتی در ۲۰ مارس ۱۹۷۳ در دوره زمامداری احمد حسن البکر (۱۹۶۸-۱۹۷۹) نیز عراقیها علناً وارد مرزهای کویت شدند و بر مراکز مرزی تسلط پیدا کردند. ولی با این وجود در دوران صدام حسین نیز نتوانستند این تفکر را به حقیقت تبدیل نمایند. از این روی این نطقه ضعف شدید مرزهای دریایی عراق با اتحاد با کشور بزرگ ایران قابل جبران و در مناسبات امنیتی و اقتصادی به سود هر دو کشور می باشد.

همکاریهای اقتصادی

عراق به دلیل پیشرفت های مهندسی در ایران و مقرون به صرفه بودن بازارهای شرقی خود، برای نوسازی زیرساخت هایش نیازمند همکاری با ایران می باشد. مسائل دیگری همچون اتصال شبکه فیبر نوری دو کشور از دو مسیر کابل نوری شلمچه، بصره و خوزستان و اربیل در کردستان نیز برای همکاری های طرفین حائز اهمیت می باشد.(وزارت ارتباطات،۱۳۸۵) خدمات اکتشافی و پژوهشی، مانند مطالعات اکتشافی، زمین شناسی، تعبیر و تفسیرهای اطلاعات لرزه‌نگاری و عملیات حفاری، ارائه خدمات در بخش‌های مطالعات مهندسی مخازن، تعمیرات توربین و آموزش و پژوهش و همچنین مسئله همکاری در جهت تامین آب استانهای کم آب جنوب عراق که برای این کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار است میتواند درجهت مستحکم شدن مناسبات دوکشور موثر باشد. در برخی همکاری های دیگر همچون تشکیل کمیسیون مشترك مین‌زدایی در ایران و عراق هر دو کشور میتوانند درجهت اعتمادسازی و بازگشت از سیاست های غیردوستانه گذشته که موجب گردید بسیاری از شهروندان دو کشور کشته شوند، اقدام سازنده ای محسوب شود. تولید و صادرات خرما در مناطق مرزی شلمچه و خرمشهر و دشت هورالعظیم حائز اهمیت می باشد و در نمای وسیع تر ایجاد بازارچه های متعدد مرزی و حمایت از صنایع دستی منطقه در جهت ایجاد اشتغال ساکنین بومی و مرزنشینان و همبستگی فرهنگی دوکشور درخوزستان و جنوب عراق نیز تاثیر بسزایی دارد.

همکاری های دریایی و بندری

ایران وعراق در سه زمینه کلی امور بندری، حمل و نقل مسافری و دریایی و امور دریایی دارای ظرفیت های همکاری می باشند. خواهرخواندگی بنادر تاریخی بصره و خرمشهر، سرمایه گذاری طرفین ایرانی و عراقی در بنادر یکدیگر، ارائه تسهیلات ویژه به کالاهای ترانزیتی عراق در بنادر امام خمینی و خرمشهر و همکاریهای فنی و مهندسی، مطالعاتی و ایجاد بانکهای تخصصی اطلاعاتی و همچنین ایجاد دفاتر تجاری در بنادر دو کشور مطرح است. همچنین در زمینه حمل و نقل مسافری و دریایی مسأله حمل و نقل مسافر بین بنادر خرمشهر و بصره، تشکیل شرکت مشترک حمل و نقل مسافری مورد توجه می باشد. اروند رود نیز یکی دیگر از جایگاه های همکاری طرفین می باشد. لایروبی این رودخانه عظیم که در صدها کیلومتر، مرز جدایش دو کشور محسوب میشود نیز دارای اهمیت ویژه ای است.

پیوستگی های تاریخی

ریشه پیوستگی های تاریخی و فرهنگی دو کشور ایران و عراق را بایستی در عمق تاریخ پیش از اسلام و پس از اسلام جستجو نمود. همین پیوستگی های کهن در قسمتهای کردنشین شمالی و جنوبی شیعیان موجب گردیده است که عراق از سایر دول عربی منطقه به نوعی مجزا باشد. کردها که حدود۲۰% جمعیت عراق را تشکیل

میدهند از پیوستگی های نژادی و تاریخی با مردم ایران برخودار هستند. پرفسور سایس میگوید: مادها عشایر "کرد" بودند که ولایات آنها تا جنوب بحر خزر ادامه داشته و زبانها آنها آریایی و از نژاد خالص ایرانی هستند.(سنندجی،۱۹،۱۳۶۶) در دایره المعارف کلمبیا و ایکنیک دسک آمده است: کردها بخشی از نژاد ایرانی هستند، برخی چادر نشین هستند و برخی شهر نشین که مردمی دلاور، جنگجو و قوی دارد. همچنین دارمستتر مستشرق فرانسوی، زبان کردی را مشتق شده از زبان مادی ایران باستان می داند. از سوی دیگر منطقه بین النهرین در عراق امروزی چیزی در حدود یکهزار سال جناح سرحدی مرزهای باختری ایران محسوب میشده است. مارکوات (جغرافیدان ارمنی) درباره مرزهای جغرافیایی ایرانی می نویسد: «تیسفون یا سلوکیه در سورستان عراق (بت آرامایه، آسورستان، بابل، سواد) جای داشت و مقر شاهان ایران بود. ایرانیان با پذیرفتن اهمیت بابل(جنوب عراق) چون کانون فرهنگی و سیاسی بود بدان (لقب) دل ایرنشهر دادند».(محمدی ملایری،۱۳۷۵) بافت قومیتی مختلف عراق که شامل نژادهای غیرعربی نیز میشود این کشور را به ایران که روزگاری پایتخت خود را در بغداد قرار داده بود بسیار نزدیک کرده است. محمدبن جریر طبری صاحب تاریخ طبری درباره نژادهای غیر عربی عراق نوشته است:در روزگار پارتیان در بین النهرین عربی وجود نداشت جز آن گروه از قبیله های معادبن عدنان که بازماندگان اعرابی بودند که بخت النصر به اسارت از عربستان آورده بود.(Wilson،83) از سوی دیگر شیعیان که اکثریت ۶۰% عراق را شکل میدهند دارای روابط مستحکم و دیرینه ای با مردم ایران هستند که نقطه قوتی برای همکاری های طرفین میباشد.

شیعیان اکثریت قاطع خلیج فارس

در این امر که ایران متولی اصلی امنیت و ثبات در خلیج فارس از گذشته تا امروز بوده و هست نباید تردیدی به خود راه داد. هم اکنون کشور ایران به صورت بالقوه یکی از پانزده کشور قدرتمند جهان است.(رشنو،۱۳۸۸) شاید در برخی دوره های تاریخی این نقش به دلیل بی لیاقتی برخی حکام دچار ضعف شده باشد ولی هرگز ازمیان نرفته است. همین امر موجب گردیده است که بیگانگان با تبلیغات وسیع تلاش کنند که این درایت، قدرت سیاسی و ژئوپلیتیک خاص ایران را نشات گرفته از روحیه سلطه گری ایرانیان بر منطقه جلوه دهند. این افراد مغرضانه و بدون توجه به سوابق تاریخی و نقش هژمونی چندین هزار ساله ایرانیان در منطقه، درتلاش هستند ملتهای منطقه را بر علیه ایران بشورانند. نامگذاری خلیج فارس با نام اقوام ایرانی با قدمتی بالغ بر دوهزار و پانصد سال تنها یکی از نشانه های این ادعا است. تاریخ نگاران و جغرافیدانان عرب و مسلمان در اوایل دوره اسلامی همچون طبری، مسعودی و یعقوبی به صراحت تایید میکنند که پیش از اسلام و پس از اسلام به دلیل پیشرفت فرهنگی و تمدنی و همچنین قدرت ایران، همه نواحی شمالی و جنوبی کرانه های خلیج فارس به ایران تعلق داشته و تحت کنترل حاکمان فارس بوده است. میدانیم که امروزه نیز براساس پراکندگی جمعیت، فقط کرانه های جنوبی خلیج فارس قابل سکونت میباشد و باقی

سرزمینهای عربستان سعودی لم یزرع و فاقد ارزش زندگی است. ابن حوقل النصیبی البغدادی (مورخ سده چهارم هجری) در کتاب "صورت الارض" آورده است: «چنانچه که گفته شد دریای فارس خلیجی است که از اقیانوس احاطه کننده جهان در مجاورت چین و شهر وق منشعب میگردد و این دریایی است که از نزدیکی سرزمین های سند، کرمان و فارس میگذرد و در میان همه این سرزمین ها به نام فارس خوانده میشود. زیرا هیچ کشور دیگری پیرامون آن پیشرفته تر از فارس نیست و در واقع شاهان فارس از دیرباز بیشترین تسلط را بر آن داشته و هم اکنون نیز بیشترین کنترل را بر کرانه های این دریا دارند».(ابن حوقل، ۱۹۳۸) همچنین "مقدسی البشاری" دیگر جغرافیدان و تاریخ نگار عرب در سده چهارم هجری در کتاب "احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم" خلیج فارس را تا آبهای کشور یمن میداند و مردم فارس را پخش در تمامی منطقه شبه جزیره عربستان برمی شمارد و می گوید: «بیشتر مردم، این منطقه را(خلیج میان ایران و شبه جزیره) بحر فارس می نامند که تا یمن امتداد دارد و در واقع بیشتر کشتی سازان و کشتیرانان از فارس هستند... بیشتر مردم در عدن و جده نیز از فارس هستند... در صحرا، مردم یکدیگر را با نامهای فارسی صدا میزنند و به فارسی سخن میگویند. صحار مرکز عمان است و بیشتر مردم آن فارس هستند». از این روی امروزه با توجه به این پیشینه کهن و همچنین براساس اکثریت ۶۵درصدی شیعیان حوزه خلیج فارس که پیوستگی های دیرینه با ایران دارند و روحیه ظلم ستیزی، عدم وابستگی به قدرتهای فرامنطقه ای، موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، نیروهای نظامی مومن و از جان گذشته، استقلال سیاسی و دینی و دهها نقش کلیدی دیگر، نقش ایران به عنوان نخستین کشور تامین کننده امنیت و الگوی سیاسی و فرهنگی ، تثبیت شده است. ایران با اکثریت ۸۹% شیعه مذهب(بالغ بر ۶۳ میلیون نفر) به عنوان پرجمعیت ترین کشور شیعه جهان شناخته میشود و عراق با اکثریت ۶۵% شیعه مذهب (بالغ بر ۱۷میلیون نفر) دومین کشور بزرگ شیعیان میباشد. بعد از عراق، بحرین با اکثریت ۶۱%(حدود ۴۸۰ هزارنفر) سومین کشور شیعه در خلیج فارس بشمار می آید. در مجموع ۶۵% کل جمعیت منطقه خلیج فارس را شیعیان و تنها ۳۳% در اختیار سنی ها می باشد. بنابراین در منطقه استراتژیک خلیج فارس، که بر اساس نظریه پردازان غربی به قلب جهان شهرت گرفته است، شیعیان اکثریت منطقه را تشکیل میدهند و این حکایت از آن دارد که پتانسیل بالایی از دید ایدئولوژیک جهت همکاری های گسترده نظامی، سیاسی، اقتصادی در خلیج فارس میتواند شکل بگیرد. شیعیان در یک خط ساحلی، دور تا دور خلیج فارس سکنی گزیده اند و کانون این سکونت در ایران و عراق می باشد. امروزه شیعه نه تنها یک مذهب دینی با شعارهای انقلابی، بلکه تبدیل به موضوعی ژئوپلیتیک شده است. زیرا نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان تاثیرگذار است، زیرا آنها خصوصا در کرانه های نفتی خلیج فارس پراکنده شده اند.(سازمان جغرافیا،۱۳۸۶،۱۸۸)

شیعیان عراق هم از نظر کمیت و هم از نظر تاثیر فکری وایدئولوژیکی، مهم ترین گروه موجود در عراق بشمار می آیند. این جمعیت در ۱۷ استان از ۱۸ استان عراق پراکنده شده اند و در استانهای نجف، دیوانیه،

سماوه، ناصریه و عماره ۱۰۰% جمعیت و در استانهای بصره و کربلا نیز بیش از ۹۰% جمعیت را به خود اختصاص داده اند. پراکندگی شیعیان عراق بیشتر در نواحی مرکزی و جنوبی عراق مایل به خلیج فارس قرار گرفته است. این گستردگی وسیع را خاندان بویه برای همیشه در منطقه میانرودان پایه گذاری نمود. ولی در طول تاریخ این اکثریت خاموش تحت ظلم و ستم افراطیون سنی قرار داشتند و به همین جهت شیعیان عراق هر ازگاهی با بدست آوردن قدرت اندک بر علیه این ظلم ها دست به شورش میزدند. نمونه این شورشها در دورانهای عثمانی، انگلیسی ها، خاندان هاشمی و لائیکهای ناسیونالیست بعثی به وضوح دیده میشود. عراق نخستین و مهم ترین کشور عربی است که حکومت شیعی را مستقر نموده است. کشوری که از مدعیان رهبری بر جهان عرب و مسند امپراتوری عباسی(۷۵۰–۱۲۵۸) به شمار میرفت.

امروزه سه سازمان اصلی عراق، بر پایه اندیشه های شیعه قرار گرفته است: مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه اسلامی عراق، سازمان امل اسلامی عراق. به نظر می آید قدرت گرفتن شیعیان در عراق برخلاف برنامه ریزی های آمریکا، هنگام سقوط صدام حسین انجام شده است. زیرا سیاستمداران آمریکا، کشوری باحکومت شیعی را برخلاف منافع ملی خود میدانند و حتی تجزیه عراق را سودمندتر از عراقی با رهبران شیعه میدانند. هنری کیسینجر(وزیر خارجه اسبق امریکا) در گفت و گو با شبکه تلویزیونی سی. ان .ان، به دولت بوش پیشنهاد داده بود، چنانچه منافع ملی امریکا در ایجاد یک عراق یکپارچه حاصل نشود، بهتر است که این کشور تجزیه شود.(دیلمی ،۴،۱۳۸۳) وی افزود: «نباید موضوع تشکیل یک حکومت دین سالار شیعه را در عراق پذیرفت. اگر به چنین نقطه ای برسیم، از متحد و یکپارچه نگاه داشتن عراق، سودی عاید ما نخواهد شد. احتمالاً باید به هر یک از گروه های قومی اجازه دهیم، تا به ازای یک حکومت دین سالار تحمیلی، حکومتی خودگردان تشکیل دهند».(اطلاعات،۱۲،۱۳۸۳) ولی با قدرت گرفتن دولت شیعی نزدیک به ایران سیاستمداران آمریکایی، حقیقت نزدیک شدن تهران – بغداد را اجتناب ناپذیر پنداشتند. استراتژیست های امریکایی، در توصیه های خود به کاخ سفید ابراز می دارند: «همانگونه که عربستان با دلائل کمتر، ناگزیر شد خود را به ایران نزدیک کند و به نوعی توافق برسد، مسلماً بغداد نیز باید به تهران نزدیک شود».(برژینسکی،۱۳۸۵)

به همین جهت تشکیل دولتی بر اساس ایدئولوژی شیعیان پس از سقوط صدام حسین درعراق پس از چندین سده ناعدالتی و تنش در منطقه، به عنوان نقطه عطفی در جهت بهبود روابط ایران و عراق در منطقه پیش بینی میشود که با تدبیر طرفین و قطع وابستگی های خارجی میتوان از آن به عنوان فرصت بزرگ سیاسی،اقتصادی،امنیتی در منطقه و به ویژه در حوزه استراتژیک خلیج فارس بهره برد تا الگویی مناسب برای کشورهای جنوبی خلیج فارس و به ویژه برای کشوری شیعه نشین همچون بحرین می باشد، در آینده به اجرا گذارده شود. زیرا عراق باتوجه به نفوذش در جهان عرب میزان تاثیرگذاری بسیار بیشتری نسبت به

ایران بر اعراب منطقه میتواند داشته باشد و به تدریج برخی نگرشهای منفی نشات گرفته از وهابیت را به تشیع تغییر دهد و تشیع را وارد جریان غالب فرهنگ عربی به عنوان یک کل کنند. بر این اساس شیعیان عراق مسئولیت های اجتماعی فراتر از مرزهایشان دارند، آنچه را آنها برگزیدند، پیامدهایی اساسی برای هم مسلکان شیعه شان در منطقه خلیج فارس دارد.(فولر و فرانکه،۱۳۸۴، ۱۵۶)

بررسی مفهوم امنیت

از آنجاکه خلیج فارس بخشی از آبهای سرزمینی ایران، کانون انرژی ایران و جهان و همچنین حاصل هزاران سال تمدن و فرهنگ ملی کشور محسوب میشود، امنیت این حوزه استراتژیک بعنوان نخستین اولویت برای جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است و برآن تاکید قاطع دارد. در حقیقت امنیت خلیج فارس پیوندی ناگسستنی با امنیت ملی کشور ایران دارد. برای درک بهتر از مقوله امنیت ملی و ضرورت پایه ای آن برای یک کشور بایستی تعاریف مختلف را در این زمینه بررسی نمود. از امنیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است. امنیت همواره کلیدی ترین عنصر زندگی بشر بوده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد امنیت را به معنای «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» آورده است. در دانشنامه سیاسی آمده است: «امنیت را در لغت، به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله، یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله می گویند.»(مهری،۱۳۸۱، ۷۷) در دایره المعارف علوم اجتماعی، امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: «توان یک ملت در حفظ ارزش های داخلی از تهدیدهای خارجی.»(ربیعی،۱۳۸۳، ۱۱)

در ابتدا مفهوم امنیت با نبود تهدید نظامی یا حفاظت از ملت در برابر براندازی یا حمله خارجی برابر بود. به طور مثال برژینسکی، سیاستمدار برجسته آمریکایی امنیت ملی را چنین تعریف می کند: «وجود شرایط مبتنی بر حفظ و برقراری اقداماتی که کشور را از اعمال نفوذ دشمن مصون نگه دارد.»(برژینسکی،۱۳۶۹، ۱۲)

والتر لیپمن، محقق آمریکایی در تعریف امنیت ملی تعریف درستی دارد و می گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت ملی است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت نیاز به اقدام نظامی، بتواند آن را پیش ببرد.» (سازمان پدافند،۱۳۸۸)در عرصه بین الملل اختلاف دیدگاههایی برسر مفهوم امنیت ملی وجود دارد. برخی کشورها برای سلطه برجهان در لوای امنیت خود، هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای جغرافیایی کشورشان دست به اقدامات سیاسی و نظامی می زنند. با توجه به اختلاف مفهومی درباره ی تعریف امنیت می توان دریافت که امنیت به بیان ساده یعنی آزاد و رها بودن از خشونت و تجاوز اعمال شده توسط دیگران. این کامل ترین تعریفی است که تقریبا جامع تمام تعاریف دیگر نیز هست.

تثبیت امنیت خلیج فارس با تاکید بر ایران و عراق

«سر هالفورد مکیندر» جغرافیدان بریتانیایی در سال ۱۹۰۴ میلادی، نظریه تصرف قلب جهان (Heart Land)را مطرح کرد. دیدگاه‌های وی در کتاب‌های «محور جغرافیایی تاریخ» و «حقیقت و آرمان‌های دمکراتیک» تبیین گردیده است. او سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را، جزیره جهانی (World Island) نامگذاری کرد و محور مرکزی این جزیره جهانی را به عنوان «هارتلند»(قلب جهان) نامید. از دیدگاه این جغرافیدان، «هارتلند» عبارت است از منطقه گسترده ای که از شرق به سیبری غربی؛ و از غرب به رودخانه «ولگا» در روسیه؛ و از شمال به اقیانوس منجمد شمالی؛ و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا و ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می گردد. «سر مکیندر» پس از چندی، دامنه غربی «هارتلند» را تا حدود کشورهای اروپای شرقی توسعه داد. بر این اساس، «قلب جهان» منطقه وسیعی است که شامل بخش بزرگی از ایران، افغانستان، آسیای میانه و بخش مهمی از روسیه می شود و دریای خزر می باشد که بعدها با اهمیت پیداکردن نفت، خلیج فارس نیز عملا به عنوان کانون انرژی جهان در این هارتلند جهانی قرار گرفت. طرح «تصرف هارتلند» در یکصد سال گذشته مدّ نظر استراتژیست‌های کشورهای استعماری و قدرتهای بزرگ مغرب زمین بوده است. پس از تولّد سه ایدئولوژی از درون حرکت مدرنیسم غربی (یعنی: ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم)، هریک از حوزه های ایدئولوژیک مذکور در برهه‌ای از زمان با الهام از طرح «هارتلند» برای تصرف «قلب زمین» خیز بزرگی برداشته‌اند و دو بلوک اول و دوم در تأمین کامل هدف یاد شده ناکام گردیده‌اند و بلوک سوم در حال تجربه کردن تصرف کامل آن برآمده است. در جریان جنگ جهانی، ارتش نازی به رهبری هیتلر که نمایندگی «ناسیونالیسم» را بر عهده داشت، پس از تصرف بخش عمده اروپا، به منظور تصرف«قلب جهان»، به روسیه لشکر کشی کرد ولی با مقاومت حریف قدرتمندش، طعم تلخ شکست را چشید و بدینسان، ارتش آلمان در سال ۱۹۴۵ با تحمل ناکامی از آن سرزمین باز گشت و سقوط هولناک ایدئولوژی «ناسیونالیسم» و حکومت هیتلر را به تماشا نشست. سپس در سال ۱۹۷۹ ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی که نمایندگی «سوسیالیسم» را بر عهده داشت، به منظور تکمیل و توسعه تسلط خود بر«هارتلند» به افغانستان که در این حوزه قرار دارد و دارای ارزش خاص استراتژیک می باشد (گام نخست درجهت دست یافتن روسها به آبهای آزاد) لشکر کشی نمود؛ ولی با مقاومت حریف همزاد خویش یعنی جهان غرب که نمایندگی «لیبرالیسم» را بر عهده داشت با همکاری «کمربند سبز اسلامی» زمین گیر شد و در فاصله سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ مجبور به عقب نشینی از افغانستان شد. اتحاد جماهیر شوروی دو سال پس از این حادثه، در سال ۱۹۹۱ سقوط کرد و امپراطوری «سوسیالیسم» متلاشی گردید. اینک بخشی از جهان غرب به عنوان مظهرایدئولوژی «لیبرال دموکراسی» یکه تاز میدان شده و در پناه قدرت و ثروت هنگفت خود و پس از شکست دادن دو حریف همزاد خویش، در صدد برآمده است تا سیطره خود را بر «هارتلند» به عنوان کلید فتح جهان، به کمال برساند. این امر با مقاومت ایران در خاورمیانه و نیروهای داخلی در عراق و افغانستان، تا امروز شکست خورده بنظر می آید.

پس بی شک امنیت خلیج فارس رابطه مستقیم و تاثیرگذاری با امنیت جهانی دارد. طی ۲۰۰ سال گذشته کشورهای استعمارگر تلاش فراونی کردند این امنیت را در کنترل خود بگیرند. پس از افول قدرت بریتانیا و خروج آنها از خلیج فارس این امنیت با طرح دکترین نیکسون میان دو کشور منطقه ای ایران و عربستان تقسیم شد. سر آنتونی پارسونز،آخرین سفیر انگلیسی در رژیم شاه، در کتاب غرور و سقوط می نویسد: «با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس در ۱۹۷۱ م و سلب تعهدات انگلستان برای دفاع از این منطقه ، نیکسون تصمیم گرفت این خلاء را با تقویت ایران و سایر کشورهای منطقه پر کند...» (پارسونز،۱۳۶۳،۸۰)

با توجه به سیاست جدید امریکا در دوره نیکسون، ایران در منطقه خلیج‌فارس که متحد آمریکا محسوب میشد، به دلیل دارا بودن عواملی چون ثروت و جمعیت فراوان، موقعیت استراتژیکی، ثبات نسبی و توان نظامی که آن را از دیگر کشورهای کوچك منطقه متمایز می‌ساخت، عملاً وظیفه ژاندارمی منطقه را پذیرفت. از این روی ایران به عنوان رهبر نظامی خلیج فارس و عربستان به عنوان قدرت برتر اقتصادی خلیج فارس معرفی شدند. ریچارد نیکسون، ریاست جمهوری وقت امریکا، پیرامون اهمیت این منطقه عقیده داشت که اگر خطی ژئوپولتیك میان خاورمیانه رسم شود، آن خط مستقیماً از عربستان، ایران، امارات و تنگه هرمز عبور خواهد کرد؛ تنگه‌ای استراتژیك که چهل درصد از نفت جهان آزاد از آن می‌گذرد و روزی بیست میلیون بشکه نفت، به قرار ساعتی هشتصدهزار بشکه، از آن عبور خواهد کرد.(نیکسون،۱۳۶۴،۱۴۶) نقش ژاندارمی ایران در خلیج فارس چون برپایه وابستگی به قدرت آمریکا بود و از استقلال کافی برخوردار نبود دوام نیاورد و دچار تحولات چشمگیری شد. شاه و نیکسون از دوستان صمیمی محسوب میشدند و حتی گفته میشود شاه ایران نیز برای انتخاب نیکسون در انتخابات ریاست جمهوری مبالغی را مستقیم و غیرمستقیم به او پرداخت کرده بود.(کاتوزیان،۱۳۶۸،۲۵۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی معادلات منطقه ای به کلی تغییر کرد. کشورهای عربی که وابستگی های سیاسی و اقتصادی مختلفی به غرب داشتند از یکسوی میخواستند در کنار همسایه بزرگ خود یعنی ایران با صلح زندگی کنند و از سوی دیگر برای مقابله با نفوذ انقلابی شیعیان و نقش رهبری تاریخی ایران در منطقه، تمایل داشتند پایگاههای آمریکایی و انگلیسی را به عنوان نقطه قوتی برای پایداری خود در منطقه خلیج فارس مستقر کنند. استقرار گسترده نیروهای آمریکایی در طول عملیات طوفان صحرا به عنوان نقطه عطف حضور آمریکا در منطقه به حساب می آید. پس از این عملیات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به سمت امضای موافقتنامه های جدید با آمریکا در جهت ارایه تسهیلات و دسترسی آنها به پایگاههای نظامی قدم برداشتند. تمام این کشورها به جز عربستان قراردادهای همکاری امنیتی با این کشور امضا نمودند.(عزتی،۱۳۸۴،۱۵۸)

البته نیروی هوایی آمریکا از پایگاههای هوایی داخل عربستان و کویت نیز تحت عنوان نظارت بر منطقه ممنوعه پرواز در جنوب عراق به صورت مستمر استفاده میکنند. این وابستگی حکایت از ضعف قوای نظامی/ضعف هویتی/گسستگی وحدت ملی در میان کشورهای شورای همکاری و همچنین ضعف پایه های سلطنتی شان دارد. این عدم پایداری و عدم همبستگی میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران و عراق، موجب گردید سیاست دوگانه ای درمنطقه بوجود آید و تا امروز این ۸ کشور به یک سیستم واحد امنیتی در منطقه دست نیابند. تاکنون کشورهای منطقه هزینه گزافی را برای واگرایی که ماحصل فضای بی اعتمادی و سوءظن منطقه ای است، پرداخته اند.(ابراهیمی فر،۱۳۸۷، ۳۸۵)اما این گسستگی میان کشورهای عربی و ایران و عراق باعث نگردید، ایران که از گذشته به عنوان برپاکننده اصلی امنیت در خلیج فارس بشمار میرفت، نقش خود را فراموش نماید. به همین روی اقدامات مختلفی در جهت صلح و ثبات در خلیج فارس به اجرا گذاشت و نیروهای دریای سپاه و ارتش توان نظامی خود را با تکیه بر نیروهای بومی افزایش داد. با تحولات بنیادین در عراق و نزدیک شدن این کشور به ایران، زمینه همکاری های امنیتی این دوکشور ساحلی خلیج فارس نیز افزایش یافته است. علی رغم چالشهای ژئوپلیتیکی ایران و عراق، میتوان با تاکید بر تاریخچه کهن همکاری های طرفین و همچنین مشترکات متعدد این دوکشور، پتانسیل بسیاری را در جهت همکاری های اقتصادی، سیاسی، امنیتی ایران و عراق شناسایی نمود و در صلح و امنیت منطقه بکار گرفت. البته چشم انداز روشن همکاری میان ایران و عراق بسته به نوع تصمیم گیریهای کلان رهبران عراق دارد که آیا بازهم مانند گذشته در دام شیطنت برخی رژیم‌های الیگارشی و غیر دموکراتیک منطقه ای و فرامنطقه ای قرار بگیرند و در نتیجه راه عناد با ایران را دنبال کنند و یا اینکه با همسایه شرقی خود به عنوان متحد استراتژیک ماندگار با مشترکات فراوان تاریخی و دینی بنگرند. بدون شک میزان ثبات و آرامش در صحنه داخلی عراق بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی عراق در ابعاد وسیع تر منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر خواهد نهاد. این کشور پس از آنکه از چنبره ایدئولوژیک منحرف بعثیسم خارج گردید، دیگر جزئی از جبهه واحد عربی که شعار ناسیونالیسم افراطی عرب سرلوحه آن بود به شمار نمی‌رود. ولی با اینحال دولت جدید عراق با چالشهایی گوناگونی داخلی و خارجی نیز مواجه است. از یک سو دغدغه برپایی ثبات پایدار و افزایش سطح امنیت ملی را دارد. زیرا امنیت نخستین مقوله پیشرفت یک کشور است و مشکلات امنیتی عراق در حیطه حاکمیت داخلی و در نحوه تعامل با گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی و قومی عراقی مشکلاتی فراوانی ایجاد کرده است. از سوی دیگر دغدغه‌ای برای دسترسی به آبهای خلیج فارس دارد. ازاین حیث پیش بینی میشود که اگر رهبران این کشور از سیاست عقلانی پیروی کنند، در نتیجه بیشترین نیاز خود را در صلح و همبستگی با همسایگان خود جستجو می کنند و نه در تنش و درگیری های منطقه ای و وابستگی به آمریکا و بریتانیا که نتیجه ای جز جنگهای داخلی و عقب ماندگی ندارد. عراق در محدوده مرزهای آبی خود با ایران در اروندرود و در سطح وسیع تر در خلیج فارس نیاز به مساعدت کشور قدرتمند خود ایران دارد. همچنین در مرزهای آبی خود با کویت نیازمند همکاری با کویت می باشد. از سوی دیگر حمله عراق در اوت ۱۹۹۱ به کویت - یعنی

یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس - روابط عراق با این شورا را وارد مرحله‌ای تازه نمود. کشورهای عضو شورای همکاری به خوبی آگاه هستند که به دلیل اشتراکات فراوان ایران و عراق و همچنین چشم داشت دائمی برخی ملی گرایان عراق بر کویت- به صورت مستمر خود را از ناحیه این دو همسایه شمالی خود آسیب‌پذیر می‌دانند. کشورهای همکاری خلیج فارس در دوره جنگ تحمیلی ثابت کردند که در جستجوی رژیم های افراطی سنی در عراق هستند و از همبستگی دوکشور شیعی بزرگ در حوزه خلیج فارس احساس خطر میکنند.

نتیجه‌گیری:

سقوط رژیم بعثی که محور تنش و بی ثباتی در منطقه و به ویژه در حوزه خلیج فارس محسوب میشد بر ترتیبات امنیتی حوزه خلیج فارس تأثیر بسزایی نهاد. رژیم متجاوز بعثی که در زمانهای گوناگون و براساس استراتژی های مختلف از شرق و غرب مورد حمایت قرار میگرد، طی چندین دهه با تنش در حوزه خلیج فارس منافع غرب را تامین و به همسایگان خود به ویژه ایران و کویت لطمات جبران ناپذیری زد. اوج این حمایت ها در دهه ۸۰ طی سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ در واقعه جنگ نفتکشها رخ داد که آمریکا با گسیل کردن ۷۰ ناو جنگی به منطقه به حمایت از عراق پرداخت و عملا در کنار عراق علیه ایران در خلیج فارس وارد جنگ شد. آمریکا به خوبی از نتایج گسترده ای که پیروزی ایران بر عراق داشت و تاثیر منفی آن بر منافع ملی کشورش، آگاه بود. (عزتی،۱۳۸۴، ۲۸۰)

این حمایت های مداخله جویانه آمریکا در کشورهای منطقه که نتایج غیرانسانی بسیاری نیز در برداشت، با پایان عمر حکومت بعثی ها پایان نگرفت و بی شک تنها چهره ای دیگر به خود گرفته است. دو کشور که به دلیل عدم اعتماد در گذشته فرصت همکاری مناسب را از یکدیگر گرفته اند میتوانند در مرحله نخست با همکاری های کوچک و جزئی نظامی و اقتصادی زمینه را برای همکاری های وسیع تر فراهم سازند. عراق جدید با محوریت شیعیان، به همراه ایران قدرتمند که بر تنگه استراتژیک هرمز نیز تسلط دارد- میتوانند به عنوان دو متحد اصلی تامین کننده امنیت خلیج فارس ایفای نقش کنند. زیرا عراق نیز از جایگاه مهمی در منطقه برخوردار است و بی شک میزان ثبات یا بی‌ثباتی در حکومت عراق، بر روند سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های آن کشور در قبال موضوعات منطقه‌ای اثر مستقیم دارد. رهبران عراق جدید پس از عبور از بحران جنگهای داخلی اگر بتواند باردیگر تحت فشار تفکرات نژادپرستانه عربی قرار نگیرند و همچنین در سیاست گذاریهای کشور خود بر اساس منافع ملی کشورهای غربی عمل ننماید، نه تنها نمی‌تواند مانند گذشته مخل امنیت دسته‌جمعی خلیج فارس و منطقه باشند بلکه میتواند به عنوان همسایه ای رو به پیشرفت روابط جدید خود را با همسایه شرقی استراتژیک خود یعنی ایران مستحکم نماید و با گسترش روابط روبه رشد خود با ایران از ایفاگران اصلی امنیت خلیج فارس باشند.

چگونگی آرایش نیروهای سیاسی در ساختار حکومتی عراق بر روابط این کشور با شیخ نشین‌های عربی خلیج فارس و ایران مؤثر است. تاکید بر نقاط مشترک عراق با ایران بی شک به صلاح منافع ملی آن کشور می باشد. زیرا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر اساس روحیه غیر دموکراتیک خود که با بحران مشروعیت و نفوذ وهابیت دست و پنجه نرم میکنند خواستار تداوم حضور نیروهای خارجی در منطقه می‌باشند و این در بلند مدت منافع کشورهای منطقه را تامین نمی نماید. چنانچه عراق آزاد با اقلیت های کرد و اکثریت قاطع شیعیان آن، که مایل به ایران می باشند- ایفاکنندگان نقش سیاسی آن کشور باشند می‌تواند به عنوان چالشی در برابر رژیم‌های الیگارشی و غیر دموکراتیک حوزه جنوبی خلیج فارس باشد. به همین روی باید پذیرفت که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس باتوجه به ضعفهای شدید امنیتی و درگیرهای مختلف داخلی و مرزی میان یکدیگر، نمیتوانند متحد استراتژیکی برای ایران باشند. از این روی ایران و عراق به عنوان دو قطب بزرگ جمعیتی شیعیان منطقه خلیج فارس با جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر و با قدرت ژئوپولتیک بالا میتوانند متولیان اصلی این حوزه استراتژیک جهانی بشمار آیند.

منابع و مأخذ:

۱- جعفري ولداني، اصغر(۱۳۸۱). *ژئوپلتيك جديد درياي سرخ و خليج فارس*. دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي وزارت امور خارجه، ج اول، ، ص ۱۳

۲- هالیس، رزماری،(۱۳۷۲) *امنیت خلیج فارس*. تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ترجمه ی حاکم قاسمی ، ص ۸۰.

۳- اسدیان، امیر(۱۳۸۱) *سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس*، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، ص ۲۷.

4- David, D.newsom, United States Policy toward the Gulf, ed. R.G. Walf , Washington. D.C, Georgetown University 1980, P.59

۵- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح(۱۳۸۶). *ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تاکید بر شیعیان*- تهران، ص ۵

۶- کیسینجر،هنري(۱۳۸۱) *ديپلماسي آمريكا در قرن ۲۱*،ترجمه ابوالقاسم راه چمني،تهران:ابرار معاصر. ص ۳۰۶

۷- جعفري ولداني، اصغر(۱۳۸۱). *ژئوپلتيك جديد درياي سرخ و خليج فارس*. دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي وزارت امور خارجه، ج اول، ص ۳۶

۸- متقی،ابراهیم(۱۳۷۶) *مداخله گرایی و گسترش ۱۹۹۷-۱۹۴۵*. تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۵۸

۹- دريفوس، رابرت(۲۰۰۳) *طرح سي ساله واشنگتن براي كنترل نفت خليج فارس*، مجله مادر جونز، ص ۳

۱۰- دريفوس، رابرت(۲۰۰۳) *طرح سي ساله واشنگتن براي كنترل نفت خليج فارس*، مجله مادر جونز، ص ۲

۱۱- ن.ک: ابن طقطقی ، ص ۱۳۰؛ ابن فوطی ، ص ۲۸۱؛ ذهبی ، ج ۲، ص ۱۲۱؛ ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۲۰۲

۱۲- كيهاني زاده، نوشيروان(۱۳۸۸) *تصرف بغداد در جهت سلطه بر نفت و جهان عرب*، همشهری آنلاین. http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=109417

۱۳- آبراهامیان، اروند(۲۰۰۸) *تاریخ ایران مدرن*. نیویورک انتشارات دانشگاه کمبریج، ژوئیه ۲۰۰۸، ۹۷۸-۰-۵۲۱۵-۲۸۹۱-۷، ۱۷۱

۱۴- بیل، جیمز(۱۳۷۱) *عقاب و شیر*. ترجمهٔ مهوش غلامی. تهران: انتشارات شهر آشوب، ص ۴۸۵

15-P.S. Flory .M Le (1991) *Gulfe Action Internationalt Reaction Arab*, Paris Ed: CNRS, P.23

۱۶- تبیان(۲۰۰۵)*جغرافیای صلح در مرز ایران و عراق*، ویژه نامه دفاع مقدس. http://www.tebyan.net/godlypeople/operations/history_encyclopediaoftheeight (yearwar/2005/3/9/10718.html

۱۷- موسوی،علی(۱۳۸۸) *کشور عراق شریک اول تجاری ایران است*. گزارش خبرگزاری اکونیوز، میزگرد تخصصی

۱۸- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اداره کل روابط عمومی(۱۳۸۵) *زمینه های همکاری ایران و عراق در بخش زیرساخت اعلام شد*

۱۹- سنندجي، ميرزا شكرالله(۱۳۶۶) فخرالكتاب، كردستان، تحفه ناصري در تاريخ و جغرافياي كردستان. به كوشش حشمت الله طبيبي. تهران، انتشارات امير كبير ص ۱۹

۲۰- محمدی ملایری، محمد(۱۳۷۵) *فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، جلد دوم: دل ایرانشهر*، تهران، انتشارات توس

۲۱- به نقل از تاریخ طبری Wilson. Op.cit. p.83-4

۲۲- رشنو، نبي‌الله(۱۳۸۸) *ملاحظات ژئوپلیتیک در شرایط جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=89602)

۲۳- ابن حوقل(۱۹۳۸) *صورت الارض* ص ۲۴۴

۲۴- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح(۱۳۸۶). *ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تاکید بر شیعیان*- تهران، ص ۵۷-۱۸۸

۲۵- دیلمی معزی، امین(۱۳۸۳) *شیعیان برای انتخابات در عراق متحد می شوند*، هفته نامه هراز ص ۴.

۲۶- اطلاعات، روزنامه(۱۳۸۳) *انتخابات عراق، راهبردها و نگرش های نوین* شماره ۲۳۲۷۱، ۱۴ بهمن ،ص ۱۲

۲۷- برژینسکی، زبیگنو(۱۳۸۵/۵/۲) مقاله «*لزوم رویکرد جدید امریکا در قبال ایران*» ترجمه مجتبی امیری وحید، اطلاعات بین المللی.

۲۸- فولر گراهام-فرانکه رند رحیم(۱۳۸۴) *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده*؛ترجمه خدیجه تبریزی؛ قم: انتشارات شیعه شناسی ص ۱۵۶

۲۹- مهری،عباس(زمستان ۱۳۸۱) *بررسی مفهوم امنیت ملی و تاثیر آن در توسعه پایدار*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱۵، ص ۷۷

۳۰- ربیعی، علی(۱۳۸۳) *مطالعات امنیت ملی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۱۱)

۳۱- برژینسکی(۱۳۶۹)، *در جستجوی امنیت ملی*، ترجمه ابراهیم خلیلی، نشر سفیر، ص ۱۲

۳۲- سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۸)، بخش امنیت ملی

۳۳- پارسونز، سر انتونی(۱۳۶۳)، *غرور و سقوط*. مترجم: منوچهر راستین انتشارات هفته چاپ. ص ۸۰

۳۴- نیکسون، ریچارد(۱۳۶۴) *جنگ واقعی، صلح واقعی*. ترجمه: علیرضا طاهری، تهران، کتابسرا، صص۱۴۷ـ۱۴۶

۳۵- کاتوزیان، محمدعلی(۱۳۶۸) *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه: محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران، پاپیروس، ص۲۵۸

۳۶- ابراهیمی فر، طاهره(۱۳۸۷) *بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس*، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۲. ص ۳۸۵

۳۷- عزتی، عزت الله(۱۳۸۴) *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات. صص ۲۸۰-۱۵۸